

Place of components of cultural identity in literature textbooks (the content analysis)

Sadegh Panahi Tavana, Yahya maroofi

¹MA of Education Philosophy, Boo Ali Sina university, Hamedan, Hamedan, Iran

²Associate professor of management and education planning, Boo Ali Sina University, Hamedan, Hamedan, Iran Iran

جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی (تحلیل محتوا)

صادق پناهی توانا^{*}، یحیی معروفی

^۱کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، همدان، ایران
^۲دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، همدان، ایران

Abstract

The general purpose of this research was to analyze the contents of the literature textbooks in high schools in order to determine the place of the cultural identity components in the textbooks contents. The research method was qualitative and on the basis of the contents analysis. The statistical population of the research was high school 9 literature text books that were edited by the planning office and the department of Education. In the recent research, sampling wasn't done and the statistical population was the research sampling. To collect data the check list of the evaluation of the cultural nature components that the content validity for determining was given to some experts and was confirmed by doing reforms was used. To determine the instrument reliability and consistency between the evaluators' perspectives in relation to subjects, the judgments' agreement coefficient was used on the basis of Kuder-Richardson. The internal reliability coefficient or the agreement coefficient, $rtt = 0.97$, was determined that showed coordination between judgments about the subject system. The descriptive statistical indicators such as frequency, percentage, mean, and diagram were used to analyze the questions. The research methods showed the emphasis amount on all the cultural identity components in high school was not equal and on the basis of the results of the contents analysis, the most emphasis amount was on the components of the literacy elites and Iranian masterpieces and names and the less emphasis amount was on the components of sub- culture and the national and religious glories, and historical components and myths were in the middle place while literary elites allocated 0.47 and sub- cultured components allocate less than 0.1 of this emphasis to itself.

Keywords: contents analysis, Persian literature textbooks, identity, cultural identity

چکیده

هدف کلی این پژوهش، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه به منظور تعیین جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در محتوای این کتاب‌هاست. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا است. جامعه آماری پژوهش را ۹ جلد کتاب درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه تألیف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش تشکیل می‌دهد. در پژوهش حاضر نمونه‌گیری صورت نگرفته و حجم نمونه پژوهش برابر با جامعه است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از فهرست وارسی (Check List) سنجش مؤلفه‌های هویت فرهنگی استفاده شده است که برای تعیین روایی محتوایی در اختیار چند نفر از متخصصان قرار گرفت و با انجام اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار و ثبات بین دیدگاه ارزیابان نسبت به مقوله‌ها از ضریب توافق داوران بر اساس روش کوردر - ریچاردسون استفاده شد. ضریب پایایی درونی یا ضریب توافق $rtt = 0.97$ تعیین گردید، که گویای هماهنگی در خصوص نظام مقوله بندی بین داوران است. برای تجزیه و تحلیل سؤالات از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین و نمودار استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میزان تأکید بر تمامی مؤلفه‌های هویت فرهنگی (Cultural Identity) در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه یکسان نبوده و براساس نتایج تحلیل محتوا بیشترین میزان تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های «مفاخر ادبی» (Literary elites) و «آثار ماندگار و اسامی ایران» (Masterpieces and Iranian names) و کمترین میزان تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های «خرده فرهنگ‌ها» (Sub-culture) و «افتخارات ملی و مذهبی» (National and Religious Glories) شده است و مؤلفه‌های تاریخی» (Historical components) و «اسطوره‌ها» (Myths) در جایگاه متوسط قرار دارند به گونه‌ای که مؤلفه‌های مفاخر ادبی به تنهایی حدود ۴۷ درصد و مؤلفه‌های خرده فرهنگ‌ها کمتر از ۱ درصد از این تأکید را به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، کتاب‌های ادبیات فارسی، هویت، هویت فرهنگی

مقدمه

این موضوع که انسان از اوایل کودکی خود را از دیگران متمایز دانسته و همواره به دنبال تعریف خود به عنوان وجودی مستقل از دیگران است مسأله‌ای است که همه انسان‌ها آن را تجربه کرده‌اند و مجموعه ویژگی‌هایی که باعث می‌شود افراد بر اساس آن خود را انسانی منحصر به فرد بدانند در قالب مفهوم هویت قابل طرح است. هویت، از خصوصیات بسیار مهمی است که عامل تمایز فرد از دیگران است و از این رو متخصصان حوزه انسان‌شناسی نیز تعاریف متفاوت و متعددی از آن ارائه نموده‌اند. اولین معنایی که از هویت برمی‌آید این است که هویت، شیوه شناسایی «خود» توسط عوامل و متغیرهای «دیگر» است، تا فرد خودش را بشناسد یا خود را به دیگری بشناساند. بنابراین انسان در برابر متغیرهای متعددی مانند ارتباط با قوم، ملت، قبیله و یا خانواده قرار دارد که هویت او را می‌سازند (Ahmadi, 2004).

با ورود این واژه در قرن بیستم به مباحث علوم اجتماعی و پررنگ‌تر شدن ابعاد گوناگون آن علی‌الخصوص ابعادی چون هویت فرهنگی و همچنین برجسته‌تر شدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی بین کشورها لزوم ایجاد و تقویت یک هویت مشترک که مورد علاقه و تعهد مردم یک کشور باشد دو چندان شد و از آن جا که نظام آموزش و پرورش و مدارس به شرط ایجاد امکانات مناسب، می‌توانند باعث رشد و پیشرفت هویت در دانش‌آموزان شوند (Cooper, 2001 of Lotfabadi) و با ابزارهایی مانند کتاب‌های درسی و از طریق گنجاندن مؤلفه‌های گوناگون هویتی نقش مؤثری در تقویت هویت فرهنگی نسل آینده ایفا نمایند، توجه به اهمیت کتاب‌های درسی در تقویت هویت فرهنگی امری ضروری به نظر می‌رسد. لذا این مقاله به دنبال آن است تا با بررسی کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه، میزان پرداختن به مؤلفه‌های هویت فرهنگی را در این کتاب‌ها مورد کنکاش قرار دهد.

اهمیت و نقش هویت و ابعاد مختلف آن به حدی است که برخی صاحب نظران تلاش انسان را برای کسب هویت مستقل از اولین و مهمترین ضروریات انسانی و اجتماعی می‌دانند. هویت دارای انواع متفاوتی است که با

هم مرتبط بوده و می‌توان گفت هویت هر فرد مجموعه متشکلی از انواع هویت‌ها است. انواع هویت را می‌توان شامل هویت فردی، نژادی، اخلاقی، حرفه‌ای، فیزیکی و جسمانی، مذهبی، فرهنگی و ملی، سیاسی، جهانی، جمعی، جنسی، اکولوژیکی دانست. (Yoosefzadeh & Fallahi, 2003)

جنکینز (Jenkins, 2002)، معتقد است بدون وجود یک چهارچوب و شاخص برای مشخص نمودن انواع هویت‌های فردی و اجتماعی، انسان‌ها نمی‌توانند با یکدیگر سازگاری پیدا کنند و هیچ نسبت معناداری برقرار نمی‌شود. از دیدگاه وی بدون هویت‌های تعریف شده تفاوت انسان‌ها معنا پیدا نمی‌کند. هویت دارای انواع و ابعاد گسترده‌ای است، اما می‌توان آن را در دو بعد کلی فردی و اجتماعی تعریف نمود که هویت فردی در مباحث روانشناختی و هویت جمعی در مباحث جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ارزش‌ها، آداب، میراث فرهنگی، سنن و آنچه که تحت عنوان دست آوردهای گذشته یک ملت تعریف می‌شود از مهمترین منابع تشکیل هویت افراد آن اجتماع است که در واقع هویت فرهنگی را شکل می‌دهد و برای حفظ انسجام و وحدت ملی بسیار پراهمیت است. (Khademi, Saketi & Fallahi, 2007)

افتخاری (Eftekhari, 2009) معتقد است که هویت فرد، مستقیماً به فرهنگ جامعه‌ای بستگی دارد که وی هویت خود را در آن تشکیل داده است، و خاطر نشان می‌سازد که عدم تجانس بین فرهنگ حاکم جامعه و فرهنگ درونی شده به وسیله فرد، می‌تواند یکپارچگی درونی وی را به خطر انداخته و وی را درگیر یک بحران هویت نماید. از دیدگاه صالحی امیری (Salehie amiri, 2007) نیز فرهنگ مهمترین منبع هویت انسان‌هاست و افراد و گروه‌ها با توسل به اجزاء عناصر فرهنگی، هویت می‌یابند. زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به ممتاز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. به بیان دیگر، فرهنگ هم تفاوت آفرین و هم انسجام بخش است. اکبریان (Akbarian, 2004) پیمودن مسیر توسعه فرهنگی را برای یک جامعه منوط به روشن شدن مسأله هویت فرهنگی آن جامعه به عنوان مغز و هسته آن می‌داند زیرا هویت فرهنگی مقدمه، زیرساخت و شرط لازم تحقق توسعه فرهنگی است. مؤلفه‌های هویت فرهنگی

و چه در اقلیت، عموماً ترکیبی از نژاد و فرهنگ و زبان و مذهب و سبک زندگی شکل می‌دهد و نباید فقط یکی از این جنبه‌ها مورد توجه قرار گیرد. در ایران نیز می‌توان مردم را از نظر مذهبی و زبانی در دسته بندی‌های گوناگونی قرار داد چنان که امان‌اللهی بهاروند (Amanollahi)

(baharvand, 2005) تقسیمات دینی در ایران را شامل اسلام (شیعه و سنی) و غیر اسلام (زرتشتی، یهودی، مندانی، مسیحی (ارمنی و آسوری) می‌داند و همچنین به لحاظ زبانی ایرانیان را به خانواده‌های آریایی شامل (فارسی، لری، لاری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، ارمنی، بهدینی (دری)، طالشی، کردی، لکی، بلوچی، براهویی، تاتی، شهمیرزادی، و ده‌ها گویش دیگر)، سامی شامل (عبری، مندایی، آسوری، عربی) و اورال - آلتایی شامل (ترکی آذری، خلیجی، ترکمنی) تقسیم نموده است. حال با توجه به این تکرار فرهنگی، قومی، دینی و زبانی که در کشور ما وجود دارد نباید از نقش آنها به عنوان خرده‌فرهنگ‌ها که هر کدام به نوبه خود به وجود آورنده بخشی از هویت تاریخی این سرزمین است غافل ماند و شایسته نیست که فرهنگ عظیم و سرشار ایرانی نافی منابع و سرچشمه‌های خود باشد که البته همان طور که مشخص است چون فرهنگ ارگانی زنده و پویاست این کار به منزله قطع ریشه‌هاست و سرانجامی جز نابودی نخواهد داشت. (Akbarian, 2004)

مسئله اسطوره‌های ایرانی نیز یکی از عناصر سازنده هویت ایرانیان است که کمتر به آن توجه شده است (Ahmadi, 2004) آیین‌ها و رسوم ملی که به واسطه دیرینگی (تاریخی) و فراگیری (جغرافیایی) از اهمیت والایی برخوردارند از شاخص‌های کلیدی در نگهبانی و معرفی هویت ایرانی هستند.

بعضی از این رسوم، جشن‌های مختلف هستند که در تاریخ ایران ماندگار شده‌اند و حتی برخی از آنها مانند عید نوروز و شب یلدا امروزه نیز برگزار می‌شوند. حماسه‌ها نیز هر چند بعد از اسطوره‌ها قرار می‌گیرند، اما در زمینه هویت بخشی، همان کارکرد اسطوره را دارند. ملاک هویت ایرانی در حماسه‌ها عبارتند از: داد، خرد و راستی، معیار و سنجش دادگری، خردورزی و راست کرداری هم پیوند با نظام الهی (Nasri, 2008).

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های هویت فرهنگی میراث فرهنگی جامعه است که به آثار مادی و معنوی به جامانده از گذشته اطلاق می‌شود و از آن جهت قابل توجه است که برای مطالعه جوامع، اقوام و ملل گوناگون و نیز بازشناسی آثار مادی تمدن‌ها و سیر تشکیل و تکامل آنها سندی با ارزش به شمار می‌آید. (Khosravi, 2006) برخی بر این باورند که این میراث فرهنگی به عنوان اساس و پشتوانه بی‌بدیل هویت ملی و فرهنگی کشور است و حفاظت از آن در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه ضرورتی تام و غیرقابل انکار است. گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهد (Moradi, 2011).

سیدامامی (Seyedemami, 2004) دو عامل فولکلور مردم ایران که عمدتاً فارسی زبان بوده‌اند و ادبیات مدون ایرانیان را از عوامل اصلی هویت کنونی ایرانیان معرفی کرده است. فلاح (Fallah, 2004) نیز با ذکر اشعاری از مفاخر ادبی گذشته و شاعران بزرگ معاصر، آثار ایشان به زبان فارسی را عاملی برای هویت بخشیدن و حفظ وحدت ارضی و فرهنگی ایران معرفی کرده است.

کشور ایران از کهن‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود و جزء اولین و دیرینه‌ترین تمدن‌های بشری است و با توجه به اینکه تحولات و فرآیندهای درازمدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور مؤثر است و خاطرات، رخدادها و حوادث، شخصیت‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخی از عوامل اصلی شکل دهی به انگاره‌های جمعی بوده و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ پنداری پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر است (Azizi & Zahed, 2008) لذا می‌توان به روشنی دریافت که تاریخ کهن ایران زمین تا چه میزان در ایجاد هویت مشترک فرهنگی و ملی نقش آفرین است و بعد تاریخی از ابعاد مهم شکل‌گیری هویت فرهنگی مشترک نزد ایرانیان است.

در اکثر کشورها گروه‌های مختلفی از مردم که هر کدام در برخی ویژگی‌ها مشترک هستند در کنار یکدیگر زندگی کنند و وضعیت این گروه‌ها را چه در اکثریت باشند

با در نظر گرفتن مطالب گفته شده به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت فرهنگی عبارتند از: اسطوره‌ها شامل (پهلوانان اسطوره‌ای، فرمانروایان و شاهان شکوهمند و افسانه ساز، حماسه سازان باستانی و معاصر مانند سرداران جنگ‌ها و غیره، عشاق بزرگ) -

مفخرادبی شامل (شعرا، نویسندگان آثار ادبی، مترجمان ایرانی، صاحبان القاب ادبی) - افتخارات ملی و مذهبی شامل (دانشمندان، قهرمانان ورزشی، دارندگان نشان‌های بین‌المللی، هنرمندان، علمای دینی، عرفای بزرگ و نام‌آور) - مؤلفه‌های تاریخی شامل (جنگ‌ها، انقلاب‌ها، حوادث عظیم طبیعی، عملیات‌های نظامی در دوران دفاع مقدس، نام حکومت‌های پیشین، نام فرمانروایان قدیمی، نام سیاستمداران حکومت‌های پیشین) - آثار ماندگار و اسامی ایرانی شامل (هنرهای دستی، اسامی ایرانی، آثار و بناهای تاریخی، کتب و اشیا تاریخی، اسم هنرها و ورزش‌های ایرانی، اسامی مشاغل خاص ایرانیان) و خرده فرهنگ‌ها شامل (زبان‌ها و گویش‌های محلی، آداب و رسوم محلی، فرقه‌های مذهبی، جشن‌های محلی) که میزان تأکید بر آنها در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقابله با تهاجم فرهنگی ملت‌هایی سربلند خواهند شد که بتوانند از هویت فرهنگی خود دفاع نموده و در پیچ و خم روزگار و در مقابل هجوم هویت‌های بیگانه از آن به خوبی محافظت نمایند و از آن جا که مسیر شکل‌گیری هویت افراد در جامعه امروزی ما از خانه و مدرسه می‌گذرد و کودکان و نوجوانان امروزی زمان زیادی از دوران رشد و بالندگی خود را در نهاد آموزش و پرورش می‌گذرانند و در این نهاد تحت آموزش‌های متنوعی قرار می‌گیرند.

نقش آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی در دنیای امروز که با حضور قدرتمند رسانه‌ها تبدیل به دهکده جهانی شده است جریان یکسویه‌ای از تبلیغات و روش‌ها و اندیشه‌های گوناگون از دنیای سرمایه داری به سمت کشورهای در حال توسعه در جریان است و یکی از چالش‌های اساسی این کشورها در برخورد با پدیده جهانی شدن، از خود بیگانگی فرهنگی و بحران هویتی است (Moradi, 2011). این رسانه‌ها که غالباً در اختیار ایدئولوژی و فرهنگ خاص قرار دارند با هجمه‌ای گسترده، مردم کشورهای مختلف را مورد هجوم قرار می‌دهند و نگران‌کننده‌ترین بعد این تهاجم همان تهاجم فرهنگی است. تهاجم فرهنگی به مفهوم نفی هویت فرهنگ ملی، پذیرش سلطه فکری و فرهنگی بیگانه، تغییر باورها و رفتارها، دگرگونی روش‌ها و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی منطبق با الگوهای بیگانه است. کسی که تحت تأثیر غرب قرار می‌گیرد الگوهای فرهنگی بیگانه را انتخاب می‌کند (Mazinani, 2008). همچنان که خادمی و همکارانش

آموزش و پرورش رسمی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی بر شکل‌گیری هویت افراد تأثیر بسزایی داشته باشد و با توجه به غایتی که نظام آموزشی برای شهروند مطلوب خود تعریف می‌کند درصد ایجاد هویت مورد نظر خود برای افراد برآید. بخش عمده‌ای از وظیفه تقویت بنیادهای هویتی نوجوانان و جوانان بر عهده آموزش و پرورش کشورهاست و رسالت خطیر این نهاد از سایر نهادها پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر است. آموزش و پرورش می‌تواند از یک سو با تربیت معلمان شایسته، آگاه و دلسوز به هویت فرهنگی، آنان را با مبانی نظری این مهم آشنا سازد، و از سوی دیگر با اقدامات زیربنایی، از جمله تجدید نظر در وضعیت مدارس، به ویژه تحول در محتوای کتاب‌های درسی و استفاده از روش‌های نوین تدریس در تبیین مؤلفه‌های هویت فرهنگی و تقویت مصادیق این مؤلفه‌ها تلاش نماید (Khodayar & Fathi, 2008). برنامه‌های آموزشی، منابع درسی و معلمان از جمله ابزارهایی هستند که در راستا ایجاد و تقویت هویت دلخواه سازمان‌های آموزش و پرورش در وجود نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گیرند. منابع درسی در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

لذا دقت و توجه کارشناسان در انتخاب محتوای درسی و پیام‌های آشکار و مکنون آنها می‌تواند، به صحت و سلامت فرایند شکل‌دهی هویت ملی و همچنین رشد آن در کودکان کمک کند (Shamshiri & Noshadi, 2007).

تأثیر معناداری بر هویت فرهنگی دانش‌آموزان دارند. همچنین دهقان (Dehghan, 2009) در پژوهش خود دریافت که اگر چه در برنامه درسی دوره متوسطه با توجه به نیازهای عام و خاص این دوره در جهت تربیت فرهنگی اختصاص داده شده است اما صرف گنجاندن واژه و عناوین، تربیت فرهنگی را تضمین نمی‌کند. کاظمی و مهram (Kazimi & Mahram, 2011) به این نتیجه رسیدند که در کتاب‌های درسی مورد نظر به تعادل مورد نیاز بین شاخص‌های مختلف ارزش‌های شهروندی کم توجهی شده است. به این معنی که برخی شاخص‌های فرعی بسیار مورد توجه بوده، اما سایر بخش‌های پراهمیت کم رنگ هستند. در پژوهش آلمال (Almal, 1996) نتایج نشان می‌دهد که خانواده و مدرسه بیش از سایر عوامل جامعه پذیری در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان مؤثر است. شمشیری و نوشادی (Shamshiri & Noshadi, 2007)، نیز دریافتند که در کتب فارسی، تعلیمات اجتماعی و تاریخ دوره راهنمایی به برخی از شاخص‌های مربوط به پدیده هویت از جمله ابعاد سیاسی و دینی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است اما برخی ابعاد مانند هنجارهای ملی، خرده فرهنگ‌ها و اسطوره‌های ملی شدیداً مورد غفلت قرار گرفته‌اند و در طول سالیان گذشته به ویژه در برنامه‌های تغییر محتوای کتب درسی، به پدیده هویت ملی و ابعاد گوناگون آن توجه چندانی نشده است. علی نوری و همکارانش (Alinoroozi & Janat Fereidoni & Moshakelaye, 2014) با بررسی رابطه بین برنامه درسی پنهان و هویت ملی دانش‌آموزان متوسطه به این نتیجه رسیدند که با ضریب اطمینان ۹۵ درصد این رابطه وجود دارد. همچنین درویشی و احمدی (Darvishi & Ahmadi, 2012) پس از تحلیل محتوای برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه دریافتند که این برنامه‌ها با هدف هویت بخشی مذهبی و فرهنگی طراحی شده، اما توجه به این هدف متوازن و متعادل نیست. مثلاً در حیطه مؤلفه‌های ملی به نمادهای دفاع از سرزمین، پرچم، سرود ملی و شعر و ادب توجه بیشتری شده است. ولی توجه به نمادهای آثار و بناهای تاریخی و لباس ایرانی محدود و مقطعی است. بر

یکی از بهترین ابزارها برای انتقال میراث ادبی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر کتاب است. بی‌گمان نقش برجسته ادبیات این است که ما را یاری می‌دهد تا میراث فرهنگی خود را بشناسیم و آن را ارج نهیم. در مسیر ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرهنگ خودی و سایر فرهنگ‌ها که برای رشد فردی و اجتماعی افراد هر جامعه‌ای ضروری است نباید از نقش ادبیات و آثار ادبی برگزیده که بیانگر حضور این فرهنگ‌ها، میزان مشارکت و ارزش‌های گوناگون هر یک از آنهاست، غافل ماند (Esmaili, Me'mar & Ra'oufimanesh, 2011)

از آن جا که نظام آموزشی در ایران متمرکز است، و همه دانش‌آموزان در سطح کشور کتاب‌های درسی مشترکی را فرا می‌گیرند نقش کتاب‌های درسی در انتقال مفاهیم مشترک از جمله مؤلفه‌های هویت دینی و ملی پررنگ‌تر است. به همین دلیل است که خدایار و فتاحی (Khodayar & Fathi, 2008) معتقدند، کتاب‌های درسی از مهمترین ابزارهای نظام آموزش و پرورش در انتقال و تعمیق هویت ملی در ذهن و شخصیت دانش‌آموزان هستند. از آنجا که کتاب‌های درسی تجلی گاه سیاست‌های فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست، این سیاست‌ها باید به گونه‌ای سامان دهی و تدوین شود که خودشناسی ملی و هویت ملی دانش‌آموزان را افزایش دهد، به عبارتی دیگر دانش‌آموزان را با چیستی و مفهوم هویت در سطوح مختلف فردی، جمعی و ملی و شاخص‌ها و مصداق‌های آن آشنا سازد.

تحقیقات پیشین: در زمینه هویت فرهنگی و نقش عوامل مؤثر بر آن پژوهش‌های صورت گرفته است. به طور مثال نتیجه پژوهش اسماعیلی و همکارانش (Esmaili, Me'mar & Ra'oufimanesh, 2011) نشان می‌دهد که در سال ۸۵ نسبت به ده سال قبل از آن در کتاب‌های کودکان کمتر از مفهوم هویت فرهنگی استفاده شده است. محمدپور و طیبی نیا (Mohamadpoor & tayebinia, 2010) نیز دریافت‌اند که ویژگی‌های فردی و اجتماعی والدین مانند تحصیلات، درآمد، شغل، تعهد مذهبی و ... و استفاده از رادیو و تلویزیون داخلی رابطه معناداری با هویت فرهنگی ندارند. اما همین متغیرها از طریق متغیر واسط عزت نفس

وارسی (چک لیست) سنجش مؤلفه‌های هویت فرهنگی استفاده شده است که برای تعیین روایی محتوایی در اختیار چند نفر از متخصصان قرار گرفت و با انجام اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار و ثبات بین دیدگاه ارزیابان نسبت به مقوله‌ها از ضریب توافق داوران بر اساس روش کودر ریچاردسون استفاده شد. ضریب پایایی درونی یا ضریب توافق $\alpha = 0.97$ تعیین گردید، که گویای هماهنگی و ثبات در خصوص نظام مقوله بندی بین داوران است. برای تجزیه و تحلیل سؤالات از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و نمودار) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در کتاب‌های مورد بررسی در کل ۷۸۰۷ مرتبه بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی تأکید شده است که سهم این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی یکسان نیست و بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه‌های مفاخر ادبی با ۳۶۹۶ مرتبه معادل ۴۷/۳۴ درصد صورت گرفته است.

اساس آنچه گفته شد، مسأله پژوهش حاضر این است که در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه به چه میزان بر مؤلفه‌های شش گانه هویت فرهنگی (اسطوره‌ها، مفاخر ادبی، افتخارات ملی و مذهبی، مؤلفه‌های تاریخی، آثار ماندگار و اسامی ایرانی و خرده فرهنگ‌ها) تأکید شده است؟ میزان تأکید بر هویت فرهنگی و هر یک از این مؤلفه‌ها در کتاب‌های مختلف چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، از نظر روش اجرا مبتنی بر تحلیل محتوا و از جهت زمانی مقطعی است. جامعه آماری این پژوهش را نه جلد کتاب درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه تألیف دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش تشکیل می‌دهد. در پژوهش حاضر نمونه گیری صورت نگرفته و حجم نمونه پژوهش برابر با جامعه است. مشخصات کتاب‌های مورد بررسی به شرح جدول شماره ۱ است.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از فهرست

جدول ۱ - مشخصات کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه مورد بررسی

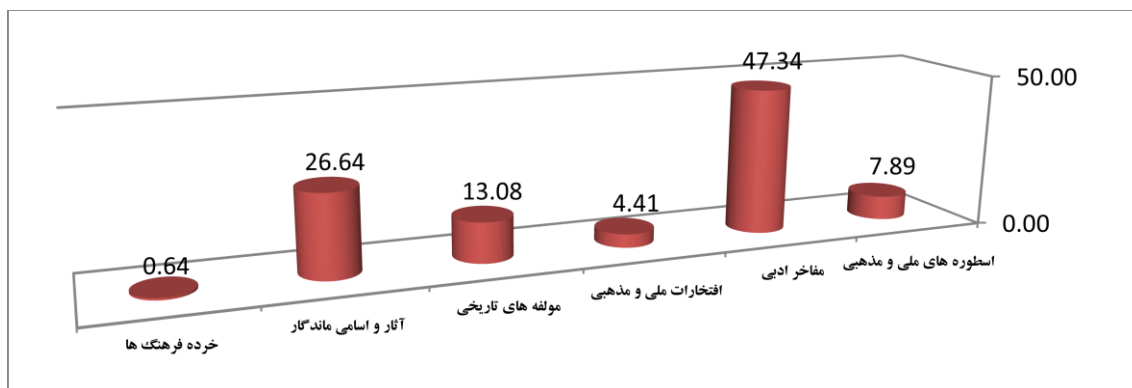
شماره کتاب	عنوان کتاب	سال چاپ	کد	تعداد صفحه
یک	ادبیات فارسی (۱) سال اول دبیرستان	۱۳۸۹	۲۰۱/۱	۲۰۰
دو	ادبیات فارسی (۲) سال دوم آموزش متوسطه	۱۳۸۹	۲۲۰/۱	۲۰۹
سه	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱)	۱۳۸۹	۲۴۶/۱	۲۵۰
چهار	ادبیات فارسی (۳) سال سوم به استثنای رشته ادبیات و علوم انسانی	۱۳۸۹	۲۴۹/۱	۱۸۶
پنج	ادبیات فارسی (۳) سال سوم ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی	۱۳۸۹	۲۴۹/۲	۱۹۴
شش	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی	۱۳۸۹	۲۷۶/۱	۲۱۸
هفت	ادبیات فارسی (قافیه و عروض) (۱) دوره پیش دانشگاهی	۱۳۸۷	۲۸۳/۲	۱۴۰
هشت	ادبیات فارسی (متون نظم و نثر) (۲) دوره پیش دانشگاهی	۱۳۸۷	۲۸۳/۳	۱۸۵
نه	زبان و ادبیات فارسی (عمومی) (۲ا) دوره پیش دانشگاهی	۱۳۸۸	۲۸۳/۱	۲۱۸

جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات ... / ۹۵

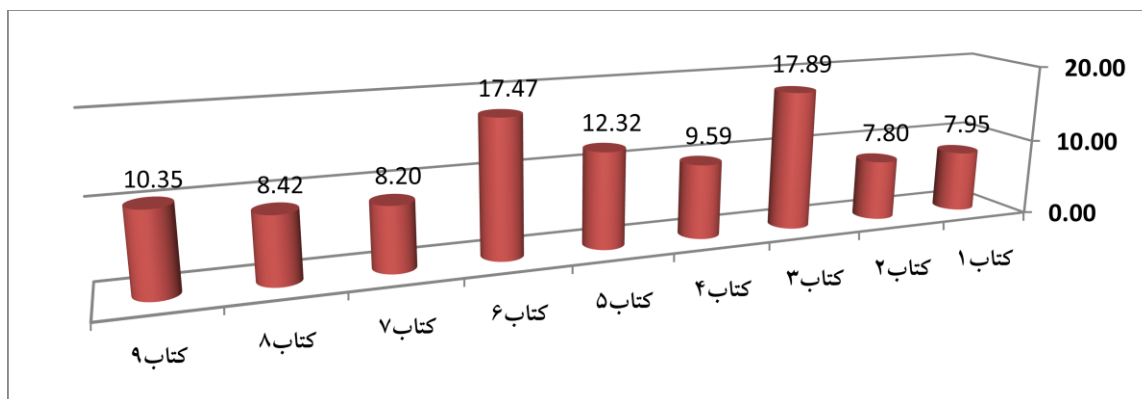
درصد، در کتاب شماره پنج، ۹۶۲ مرتبه، معادل ۱۲/۳۲ درصد، در کتاب شماره شش، ۱۳۶۴ مرتبه، معادل ۱۷/۴۷ درصد، در کتاب شماره هفت، ۶۴۰ مرتبه، معادل ۸/۲۰ درصد، در کتاب شماره هشت، ۶۵۷ مرتبه، معادل ۸/۴۲ و در کتاب شماره نه، ۸۰۸ مرتبه، معادل ۱۰/۳۵ درصد بر مجموع مؤلفه‌های هویت فرهنگی تأکید شده است. بر اساس اطلاعات نمودار شماره ۲ بیشترین تأکید بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی، به ترتیب در کتاب‌های سه، شش، پنج، نه، چهار، هشت، هفت، یک و دو می‌باشد. لذا غنی‌ترین کتاب در این زمینه کتاب سه و ضعیف‌ترین کتاب، کتاب دو است.

مؤلفه آثار ماندگار و اسامی ایرانی با ۲۰۸۰ و معادل ۲۶/۶۴ درصد در جایگاه دوم، مؤلفه‌های تاریخی با ۱۰۲۱ مرتبه و معادل ۱۳/۰۸ درصد در جایگاه سوم، مؤلفه اسطوره‌ها با ۶۱۶ مرتبه و معادل ۷/۸۹ درصد در جایگاه چهارم، مؤلفه افتخارات ملی و مذهبی با ۳۴۴ مرتبه و ۴/۴۱ درصد در جایگاه ماقبل آخر و سرانجام مؤلفه خرده فرهنگ‌ها با ۵۰ مرتبه و ۰/۶۴ درصد در جایگاه آخر قرار دارد. همچنین در کتاب شماره یک، ۶۲۱ مرتبه، معادل ۷/۵۹ درصد، در کتاب شماره دو، ۶۰۹ مرتبه، معادل ۷/۸۰ درصد، در کتاب شماره سه، ۱۳۹۷ مرتبه، معادل ۱۷/۸۹ درصد، در کتاب شماره چهار، ۷۴۹ مرتبه، معادل ۹/۵۹

نمودار ۱ - میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی به تفکیک هر مؤلفه



نمودار ۲ - میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه



بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ در کتاب شماره یک، ۶۹ مرتبه، معادل ۱۱/۲۰ درصد، در کتاب شماره دو، ۵۵ مرتبه، معادل ۸/۹۳ درصد، در کتاب شماره سه، ۲۳ مرتبه، معادل ۳/۷۳ درصد، در کتاب شماره چهار، ۷۰ مرتبه، معادل ۱۱/۳۶ درصد، در کتاب شماره پنج، ۱۶۱ مرتبه، معادل ۲۶/۱۴ درصد، در کتاب شماره شش، ۷ مرتبه، معادل ۱/۱۴ درصد، در کتاب شماره هفت، ۳۸ مرتبه، معادل ۶/۱۷ درصد، در کتاب شماره هشت، ۸۲ مرتبه، معادل ۱۳/۳۱ درصد و در کتاب شماره نه، ۱۱۱ مرتبه، معادل ۱۸/۰۲ درصد بر مؤلفه اسطوره‌ها تأکید شده است. همچنین اطلاعات نمودار شماره ۳ حاکی از آن است که بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه اسطوره‌ها به ترتیب در کتاب‌های شماره پنج، نه، هشت، چهار، یک، دو، هفت، سه و شش صورت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت غنی‌ترین کتاب در زمینه مؤلفه اسطوره‌ها کتاب شماره پنج و ضعیف‌ترین کتاب در این زمینه کتاب شماره شش است.

جدول ۲ - توزیع فراوانی مؤلفه‌های هویت فرهنگی به تفکیک مؤلفه و کتاب

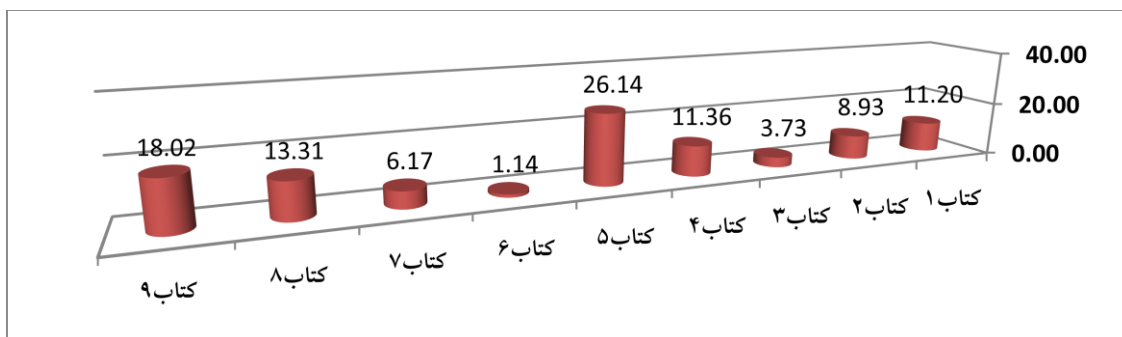
مؤلفه کتاب	اسطوره‌ها	مفاهیم ادبی	مبلی و مذهبیه اختراعات	تاریخی	مؤلفه‌های ایرانی	و اسامی آثار ماندگار	فرهنگ‌ها خرد	جمع مؤلفه‌ها
کتاب ۱	فراوانی	۶۹	۲۳۸	۱۷	۶۳	۲۲۳	۱۱	۶۲۱
	درصد	۱۱/۲۰	۶/۴۴	۵/۰۹	۶/۱۷	۱۰/۷۲	۲۲/۰۰	۷/۹۵
کتاب ۲	فراوانی	۵۵	۲۵۰	۱۷	۶۰	۲۲۴	۳	۶۰۹
	درصد	۸/۹۳	۶/۷۶	۵/۰۹	۵/۸۸	۱۰/۷۷	۶/۰۰	۷/۸۰
کتاب ۳	فراوانی	۲۳	۷۳۵	۵۸	۲۰۸	۳۶۸	۵	۱۳۹۷
	درصد	۳/۷۳	۱۹/۸۹	۱۷/۳۷	۲۰/۳۷	۱۷/۶۹	۱۰/۰۰	۱۷/۸۹
کتاب ۴	فراوانی	۷۰	۱۹۷	۴۹	۱۶۵	۲۵۸	۱۰	۷۴۹
	درصد	۱۱/۳۶	۵/۳۳	۱۴/۶۷	۱۶/۱۶	۱۲/۴۰	۲۰/۰۰	۹/۵۹
کتاب ۵	فراوانی	۱۶۱	۲۳۰	۹۴	۱۶۵	۳۰۸	۴	۹۶۲
	درصد	۲۶/۱۴	۶/۲۲	۲۸/۱۴	۱۶/۱۶	۱۴/۸۱	۸/۰۰	۱۲/۳۲
کتاب ۶	فراوانی	۷	۹۹۰	۹	۱۵۹	۱۸۶	۱۳	۱۳۶۴
	درصد	۱/۱۴	۲۶/۷۹	۲/۶۹	۱۵/۵۷	۸/۹۴	۲۶/۰۰	۱۷/۴۷
کتاب ۷	فراوانی	۳۸	۳۸۶	۱۸	۶۴	۱۳۴	۰	۶۴۰
	درصد	۶/۱۷	۱۰/۴۴	۵/۳۹	۶/۲۷	۶/۴۴	۰/۰۰	۸/۲۰
کتاب ۸	فراوانی	۸۲	۳۱۶	۱۱	۸۰	۱۶۴	۴	۶۵۷
	درصد	۱۳/۳۱	۸/۵۵	۳/۲۹	۷/۸۴	۷/۸۸	۸/۰۰	۸/۴۲
کتاب ۹	فراوانی	۱۱۱	۳۵۴	۷۱	۵۷	۲۱۵	۰	۸۰۸
	درصد	۱۸/۰۲	۹/۵۸	۲۱/۲۶	۵/۵۸	۱۰/۳۴	۰/۰۰	۱۰/۳۵
همه کتاب‌ها	فراوانی	۶۱۶	۳۶۹۶	۳۴۴	۱۰۲۱	۲۰۸۰	۵۰	۷۸۰۷
	درصد	۷/۸۹	۴۷/۳۴	۴/۴۱	۱۳/۰۸	۲۶/۶۴	۰/۶۴	۱۰۰

جایگاه مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات ... / ۹۷

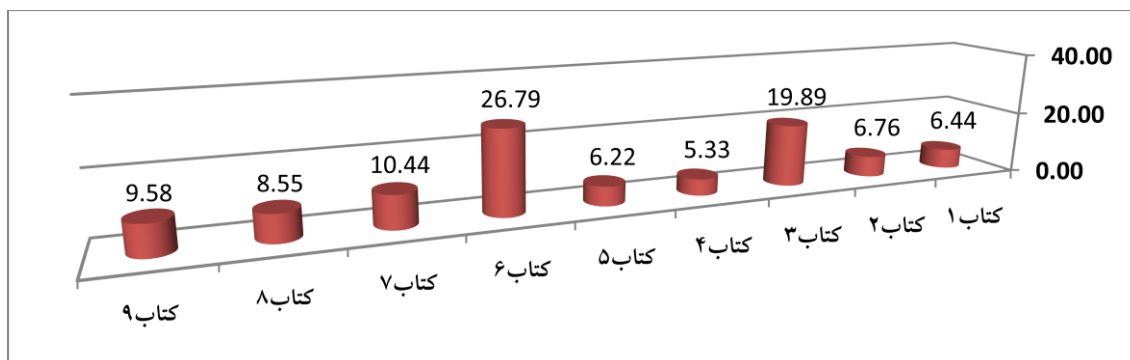
و در کتاب شماره نه، ۵۷ مرتبه، معادل ۵/۵۸ درصد بر مؤلفه‌های تاریخی تأکید شده است. همچنین اطلاعات نمودار شماره ۶ حاکی از آن است که بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه‌های تاریخی به ترتیب در کتاب‌های شماره سه، چهار، پنج، شش، هشت، هفت، یک، دو و نه صورت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت غنی‌ترین کتاب در زمینه مؤلفه‌های تاریخی کتاب شماره سه و ضعیف‌ترین کتاب در این زمینه کتاب شماره نه است.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ در کتاب شماره یک، ۶۳ مرتبه، معادل ۶/۱۷ درصد، در کتاب شماره دو، ۶۰ مرتبه، معادل ۵/۸۸ درصد، در کتاب شماره سه، ۲۰۸ مرتبه، معادل ۲۰/۳۷ درصد، در کتاب شماره چهار، ۱۶۵ مرتبه، معادل ۱۶/۱۶ درصد، در کتاب شماره پنج، ۱۶۵ مرتبه، معادل ۱۶/۱۶ درصد، در کتاب شماره شش، ۱۵۹ مرتبه، معادل ۱۵/۵۷ درصد، در کتاب شماره هفت، ۶۴ مرتبه، معادل ۶/۲۷ درصد، در کتاب شماره هشت، ۸۰ مرتبه، معادل ۷/۸۴

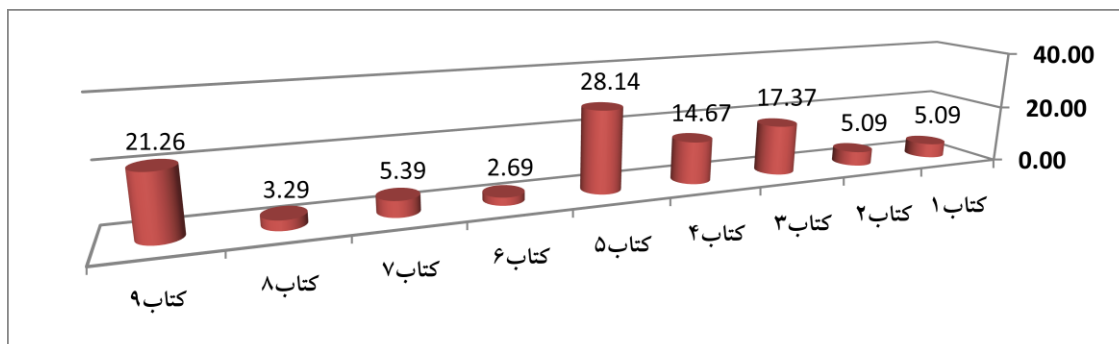
نمودار ۳ - میزان تأکید بر مؤلفه اسطوره‌ها در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه



نمودار ۴ - میزان تأکید بر مؤلفه مفاخر ادبی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه



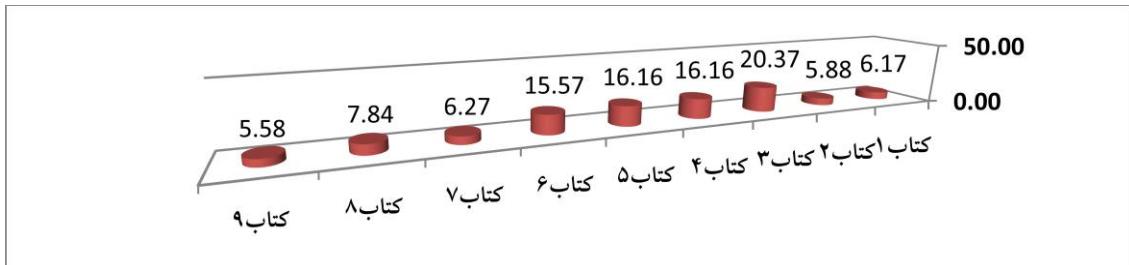
نمودار ۵ - میزان تأکید بر مؤلفه افتخارات ملی و مذهبی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره



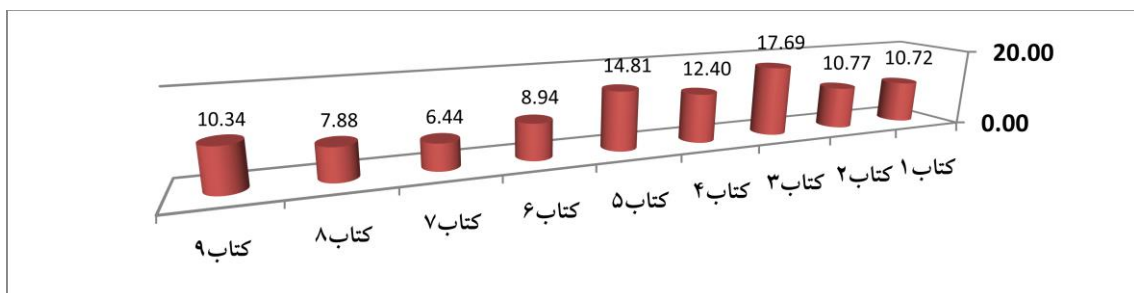
بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ در کتاب شماره یک، ۱۱ مرتبه، معادل ۲۲/۰۰ درصد، در کتاب شماره دو، ۳ مرتبه، معادل ۶/۰۰ درصد، در کتاب شماره سه، ۵ مرتبه، معادل ۱۰/۰۰ درصد، در کتاب شماره چهار، ۱۰ مرتبه، معادل ۲۰/۰۰ درصد، در کتاب شماره پنج، ۴ مرتبه، معادل ۸/۰۰ درصد، در کتاب شماره شش، ۱۳ مرتبه، معادل ۲۶/۰۰ درصد، در کتاب شماره هشت، ۴ مرتبه، معادل ۸/۰۰ درصد بر مؤلفه خرده فرهنگ‌ها تأکید شده است و در کتاب‌های شماره هشت و نه هیچ تأکیدی بر این مؤلفه صورت نگرفته است. همچنین اطلاعات نمودار شماره ۸ حاکی از آن است که بیشترین میزان تأکید بر مؤلفه خرده فرهنگ‌ها به ترتیب در کتاب‌های شماره شش، یک، چهار، سه، پنج، هشت، دو صورت گرفته است و در دو کتاب هفت و نه هیچ تأکیدی بر این مؤلفه‌ها صورت نگرفته است. در نتیجه می‌توان گفت غنی‌ترین کتاب در زمینه مؤلفه خرده فرهنگ‌ها کتاب شماره شش و ضعیف‌ترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب‌های شماره هفت و نه است.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ در کتاب شماره یک، ۲۲۳ مرتبه، معادل ۱۰/۲۷ درصد، در کتاب شماره دو، ۲۲۴ مرتبه، معادل ۱۰/۷۷ درصد، در کتاب شماره سه، ۳۶۸ مرتبه، معادل ۱۷/۶۹ درصد، در کتاب شماره چهار، ۲۵۸ مرتبه، معادل ۱۲/۴۰ درصد، در کتاب شماره پنج، ۳۰۸ مرتبه، معادل ۱۴/۸۱ درصد، در کتاب شماره شش، ۱۸۶ مرتبه، معادل ۸/۹۴ درصد، در کتاب شماره هفت، ۱۳۴ مرتبه، معادل ۶/۴۴ درصد، در کتاب شماره هشت، ۱۶۴ مرتبه، معادل ۷/۸۸ و در کتاب شماره نه، ۲۱۵ مرتبه، معادل ۱۰/۳۴ درصد بر آثار ماندگار و اسامی ایرانی تأکید شده است. همچنین اطلاعات نمودار شماره ۷ حاکی از آن است که بیشترین میزان تأکید بر آثار ماندگار و اسامی ایرانی به ترتیب در کتاب‌های شماره سه، پنج، چهار، دو، یک، نه، شش، هشت و هفت صورت گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت غنی‌ترین کتاب در زمینه آثار ماندگار و اسامی ایرانی کتاب شماره سه و ضعیف‌ترین کتاب در این زمینه کتاب شماره هفت است.

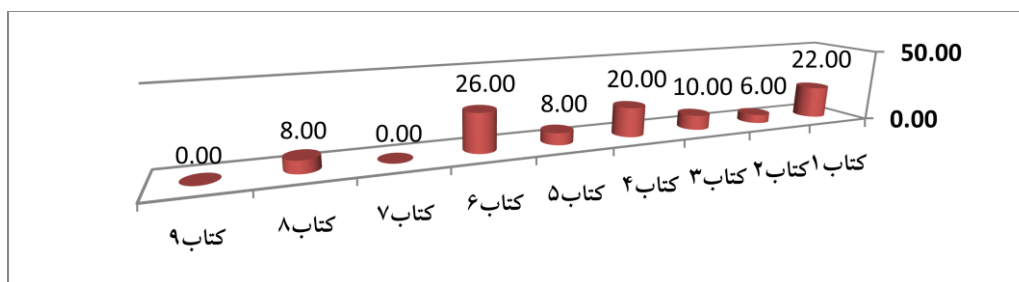
نمودار ۶ - میزان تأکید بر مؤلفه‌های تاریخی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسط



نمودار ۷ - میزان تأکید بر مؤلفه آثار ماندگار و اسامی ایرانی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسط



نمودار ۸ - میزان تأکید بر مؤلفه خرده فرهنگ‌ها در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسط



بحث و نتیجه گیری

کمتری هستند و این کتاب‌ها در این زمینه از غنای چندانی برخوردار نیستند. اصولاً به جز مؤلفه آثار ماندگار و اسامی ایرانی که پراکندگی نسبتاً مطلوبی در میان کتاب‌ها دارد، هیچ یک از مؤلفه‌ها پراکندگی مناسبی ندارند و در برخی کتاب‌ها فراوانی بیشتر و در برخی فراوانی خیلی کمتری دارند. و این مطلب با نتایج تحقیق کاظمی و مهram (Kazimi & Mahram, 2011) هم‌خوان است. اگر نگاهی به گذشته پرافتخار و ادبیات پر بار ایران زمین بیاندازیم خواهیم دید که فرهنگ ایرانی یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌ها در زمینه اسطوره‌ها در میان سایر ملل است و نقش آنها تا جایی است که در دوره‌ای از تاریخ این کشور عامل تداوم هویت ایرانیان بوده‌اند (Ahmadi, 2004). حال با توجه به نقش مؤثر این مؤلفه در تقویت هویت فرهنگی میزان تأکید ۶۱۶ مرتبه (۷/۸۹ درصد) نمی‌تواند تأثیر چشمگیری بر تقویت هویت فرهنگی نزد دانش‌آموزان داشته باشد و فراوانی این اسطوره‌ها در فرهنگ مردمان ایران زمین ضرورت پرداختن هر چه بیشتر به این مؤلفه را دو چندان می‌کند تا اسطوره‌ها در سایه این کم توجهی به غبار فراموشی سپرده نشوند.

- تاریخ دیرباز و پر بار ایران زمین از دوران باستان تا کنون با توجه به فراز و نشیب‌ها و سلسله‌های متعددی که بر آن حکم رانده‌اند و حوادث و رویدادهای پر شمار که بر آن گذشته است در دوران قبل و بعد از اسلام حاوی ذخایر بزرگ فرهنگی است که می‌تواند نقش موثری در تقویت هویت فرهنگی نوجوانان و جوانان کشور داشته باشد. اما تنها ۱۰۲۱ مرتبه برابر با ۱۳/۰۸ درصد از کل تأکیدها به این مؤلفه اختصاص دارد که نشان می‌دهد به حد کافی به این مؤلفه پرداخته نشده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه بیشترین توجه به دو مؤلفه مفاخر ادبی و آثار ماندگار و اسامی ایرانی شده است و این دو مؤلفه در مجموع در حدود ۷۴ درصد کل تأکیدها بر مؤلفه‌های مختلف هویت فرهنگی را به خود اختصاص داده‌اند و چهار مؤلفه دیگر تنها ۲۶ درصد میزان تأکیدها را در اختیار دارند که نشانگر عدم توجه کافی به این مؤلفه‌ها است. سهم مؤلفه خرده فرهنگ‌ها تنها ۰/۶۴ درصد از کل تأکیدها است که با توجه به نقش مثر اقوام و فرهنگ‌های مختلف داخل کشور در شکل‌گیری هویت فرهنگی جوانان این مملکت و نیز از آنجا که در کشورهایی مانند ایران که از تکرر و تنوع قومی - زبانی برخوردارند، یکپارچه سازی فرهنگ ملی از وظایف اولیه و مهم به حساب می‌آید (Kafashjamshid, 2005) و بالا بردن میزان تعلق و پایبندی اقلیت‌های مختلف قومی، مذهبی، زبانی...- که در مجموع خرده فرهنگ‌های یک کشور را تشکیل می‌دهند - به مؤلفه‌های هویت فرهنگی باعث گسترش وحدت ملی و فرهنگی می‌شود، باید توجه بیشتر و عمیق‌تری به این مؤلفه‌ها به خصوص در کتاب‌های درسی صورت گیرد و با توجه به نتایج پژوهش اگر گفته شود که به مؤلفه خرده فرهنگ‌ها در کتاب‌های درسی بی توجهی شده است سخن اشتباهی نیست.

- مؤلفه مفاخر ادبی که ۴۷/۳۴ درصد میزان تأکیدها را به خود اختصاص داده است، بیشتر در دو کتاب ۳ و ۶ که کتاب‌های تاریخ و ادبیات مورد تأکید قرار گرفته‌اند که ضرورتی محتوایی است و در بقیه کتاب‌ها دراری فراوانی

Akbarian, Mostafa. (2004). "Notifying and its impact on cultural identity". *The Book Quarterly*, 60. [Persian]

Alinorzi, reza, Tayebe Janat Fereidoni & Maryam Moshakelaye. (2014). "The study of relationship between the hidden curriculum components and the national identity of high school students". *Research in curriculum planning*. 11th year, No15, p:110. [Persian]

Almal, Farangis. (1996). "Factors affecting the cultural identity of junior high school students formation in District 5 Education in Tehran". Master thesis of Social Sciences Faculty of Allameh Tabatab'ei University. [Persian]

Amanollahi Baharvand, Sekandar. (2005). "Analysis of ethnicity and ethnic identity in Iran based on anthropology". In: Hossein Goudarzi. *Essays on sociology of identity in Iran*. Tehran: Iranian Civilization Publication. [Persian]

Azizi, Jalil, & Seyyed Saied Zahed. (2008). "Youth, and historical and geographical identity (the case of high school students of Shiraz)". *National Studies Quarterly*. 9th year, No4, p:127. [Persian]

Darvishi, Leila & Parvin Ahmadi. (2012). "Content Analys of the cultural activities in the secondary education based on national and relios simbols". *Research in curriculum planning*. 9th year, No8, p:15. [Persian]

Dehqan, Seyyed Abolqasem. (2009). A survey of the position of national identity in sociology 1 and 2 in secondary school curriculum. Master thesis of Marvdasht Azad University. [Persian]

Eftekhari, Fereshteh. (2009). "Crisis of identity and integration: different views of men and women in Iranian immigrants to integrate into Swedish society". In: Office of Cultural Affairs of Iranians living abroad. *Conference Proceedings of Persian Dialogues (Iranian identity): Al-Hoda International Publications*. [Persian]

Esmaili, Reza, Me'mar, Soraya, & Sediqe Ra'oufimanesh. (2011). "Studying the concept of cultural identity of Iran in children's book during these three years: 1375, 1380 and 1385". *Culture-*

در نهایت نحوه قرار گرفتن مؤلفه‌های مختلف هویت فرهنگی بر اساس بیشترین میزان تأکید در کتاب‌های مورد پژوهش عبارت است از: مفاخر ادبی، آثار ماندگار و اسامی ایرانی، مؤلفه‌های تاریخی، اسطوره‌های ملی و مذهبی، افتخارات ملی و مذهبی، خرده فرهنگ‌ها و توجه به درصد تأکید بر آنها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سوم تا پنجم نسبت به دو مؤلفه دیگر از تفاوت چشمگیری در میزان فراوانی برخوردار بوده و نسبت به اسطوره‌ها و افتخارات ملی - مذهبی و نیز خرده فرهنگ‌ها کم توجهی شده است. زیرا فقط حدود ۱۳ درصد کل تأکیدها مربوط به این ۳ مؤلفه است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و نتایج پژوهش دهقان (Dehghan, 2009) در راستای توجه عمیق‌تر به تربیت فرهنگی در کتاب‌های درسی و پژوهش آمال (Almal, 1996) در جهت اهمیت نقش مدرسه در شکل‌گیری هویت فرهنگی شایسته است میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه مورد بازنگری قرار گیرد. در این میان میزان تأکید بر مؤلفه‌های خرده فرهنگ‌ها، افتخارات ملی و مذهبی و اسطوره‌ها نیاز به توجه جدی‌تر طراحان کتاب‌های درسی دارد. توجه هماهنگ و متوازن به مؤلفه‌های ششگانه هویت فرهنگی و پراکندگی یکنواخت این مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی از دیگر ضروریات برنامه‌ریزی و تألیف این کتاب‌ها است تا در همه دانش‌آموزان ایرانی با هر نوع وابستگی مذهبی، زبانی، قومی و فرهنگی و در هر یک از شاخه‌های تحصیلی دوره متوسطه که مشغول تحصیل هستند، حس تعلق و پابندی به هویت فرهنگی این مرز و بوم تقویت شود و در نهایت لازم است پژوهش‌هایی با هدف سنجش میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویت فرهنگی به صورت هدفمند و هماهنگ در کلیه کتاب‌های درسی آموزش و پرورش انجام پذیرد.

منابع

Ahmadi, Hamid. (2004). "Iranian national identity: It's features and dynamic factors". In: Davoud Mirmohammadi. *Essays on national identity in Iran*. Tehran: Institute of National Studies, Iranian civilization. [Persian]

Cultural Engineering Monthly. 5th year, No 53 & 54, p: 60. [Persian]

Nasri, Qadir. (2008). Foundations of Iranian identity. Tehran: Institute of National Studies, Iranian civilization. [Persian]

Salehi Amiri, Seyyed Reza. (2007). Cultural concepts and theories. Qoqnous Publication. [Persian]

Shamshiri, Babak, & MohammadReza Nowshadi. (2007). "Evaluating the rate of national identity components inclusion in Persian, history and civics books in elementary schools". Education Studies Quarterly. 2th yewa, No6, p: 51. [Persian]

Seyyed-Emami, Kavous. (2004). "The role of Persian language and literature in the formation of national identity". In: Davoud Mirmohammadi. Essays on national identity in Iran. Tehran: Institute of National Studies, Iranian civilization. [Persian]

Yousefzadeh, MohammadReza, & Vida Fallahi. (2003). "Curriculum and identity formation". Studies of Education and Psychology Quarterly, University of Ferdowsi (Identity Special Issue). 4th year, No1, p: 543. [Persian]

Communication Studies. 12th year, No 13, pp: 9-40. [Persian]

Fallah, Morteza. (2008). "Persian Language role in the development of Iran's national and cultural identity". National Studies Quarterly. 9th year, No2, p: 3. [Persian]

Jenkins, Richard. (2002). Social identity. Touraj yarmohammadi. Tehran: Shirazeh publications and research. [Persian]

Kaffash Jamshid, MohammadReza. (2005). "Azerbaijan's national cohesion fields". In: Hossein Goudarzi. Essays on sociology of identity in Iran. Tehran: Iranian Civilization Publication. [Persian]

kazemi, s., & Mahram, b. (2011). the study of civic values in persian literature textbook of mentally retarded primary school student and their correspondence with current priorities. procedia social and behavioral sciences, No15, pp: 1296-1301.

Khademi, Mohsen, Parviz Saketi, & Vida Fallahi. (2007). "Studying the cultural identity in students of middle school (orientation and cognition)". Studies in Education and Psychology. 8th year, No2, p: 43. [Persian]

Khodayar, Ebrahim, & Azam Fathi. (2008). "A survey of national identity in the Education and nurture books (a case study: high school)". National Studies Quarterly. 9th year, No3, p: 27. [Persian]

Khosravi, Fariborz. (2006). Encyclopedia of Library and Information. Tehran: National library and archives of Islamic Republic of Iran Publication. [Persian]

Mazinani, Maryam. (2008). Shiite girls and cultural invasion: the impact of foreign culture on female students. Shiite Women Quarterly. 5th year, No15, p: 37. [Persian]

Mohammadpour, Ahmad, & Mousa Tayyebinia. (2010). Factors affecting Asadabad students' cultural identity. Youth, Culture, and Society Studies Biannual. No5, p: 53. [Persian]

Moradi, Alireza. (2011). "The role of cultural heritage in strengthening the cultural identity".